

واکاوی و نقد راه‌کارهای رفع تعارض بین روایات در مبحث «صلاه الناسی فی النجس»

سیدابوالقاسم حسینی زیدی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۸/۲۶)

چکیده

یکی از انواع صورت‌های مسأله «نماز در لباس یا بدن نجس» آن است که مکلف از روی فراموشی در (لباس یا بدن) نجس نماز بخواند و بعد از اتمام، ملتفت شود، که در آن سه نظریه مطرح است و علت اصلی اختلاف، تعارض روایات می‌باشد. در این جستار به سبک مسأله محور، با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی - تحلیلی، به راه‌کارهایی که برای حل این تعارض بیان شده، اشاره کرده و به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته‌ایم؛ جمع بین این روایات به این صورت است که اگر مکلف در عروض نسیان کوتاهی کرده، نماز باطل است و اگر با کمال تحفظ و اهتمام، نسیان بر او عارض شده، اعاده ندارد؛ دلیل بر این جمع آن است که: اولاً امام صادق «علیه‌السلام» در روایت سماعه حکم به اعاده را معلل به عقوبت فرموده‌اند و اعاده به خاطر عقوبت زمانی معنا دارد که فراموشی به جهت مسامحه باشد؛ ثانیاً کلمه «فضیعت» در صحیح محمد بن مسلم اشاره به عدم اهتمام مکلف دارد زیرا در صورت توجه مکلف، این تعبیر معنا نمی‌داشت.

واژگان کلیدی: اعاده، تعارض، جمع بین روایات، ناسی، نجس.

۱. استادیار گروه فقه و اصول دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس؛

Email: hoseini.zeydi@razavi.ac.ir

مقدمه

یکی از مباحث مربوط به احکام و آثار نجاسات، اقسام نماز در (لباس یا بدن نجس) است که به طور کلی سه قسم دارد:

۱. نماز خواندن در (لباس یا بدن نجس) از روی علم و عمد که گاهی اختیاری و گاهی اضطراری است.

۲. نماز خواندن در (لباس یا بدن نجس) از روی جهل.

۳. نماز خواندن در (لباس یا بدن نجس) از روی نسیان.

قدر متقین از بطلان نماز، صورت علم و عمد است و در مورد سه قسم دیگر اختلاف وجود دارد؛ اما در جایی که نمازگزار از روی فراموشی در لباس یا بدن نجس نماز خواند - که سوال اصلی مقاله حاضر در مورد همین مطلب است -، سه قول وجود دارد:

۱. مشهور منقول و محصل: باید در وقت، اعاده و در خارج از وقت، قضا کند [۲۹، ص ۹۴؛ ۴۵، ج ۶، ص ۲۱۵؛ ۳۱، ج ۱، ص ۱۹۲] و آن را مستند به قاعده «ینتفی المشروط بانتفاء شرطه» دانسته‌اند؛ [۴۰، ص ۴۲۳] حتی برخی در مورد این قول ادعای اجماع (۶، ص ۶۶) و عدم خلاف [۵، ج ۱، ص ۱۸۳] کرده‌اند.

۲. اعاده لازم نیست مطلقاً - خواه در وقت و خواه در خارج وقت - هر چند که مستحب می‌باشد. [۴۳، ج ۱، ص ۴۴۱؛ ۳۲، ج ۲، ص ۳۴۸؛ ۹، ج ۵، ص ۴۲۵] برخی این قول را مطابق با قواعد و اصول دانسته‌اند؛ زیرا مکلف آن چه را که بر او واجب بوده است را انجام داده است و به عنوان تأیید به حدیث رفع استناد کرده‌اند (۱۶، ج ۱، ص ۲۴۵)

۳. در داخل، اعاده لازم است و خارج از وقت، لازم نیست قضا کند. [۲۶، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ۳۶، ج ۱، ص ۳۶۳؛ ۴۲، ج ۱، ص ۱۹؛ ۸، ج ۱، ص ۳۴۵؛ ۱۲، ج ۳، ص ۴۴۲؛ ۳۷، ج ۱، ص ۱۰۶؛ ۲۲، ج ۳، ص ۴۲۱] برخی این قول را به مشهور بین متأخران نسبت داده‌اند. [۹، ج ۵، ص ۴۲۵]

هر یک از قائلان برای نظریه خود - علاوه بر روایات - به دلایلی تمسک نموده‌اند که پرداختن به آن‌ها مجال دیگری را می‌طلبد ولی منشأ تعدد اقوال، روایات متعارضی است که در این زمینه وارد شده و فقهاء را بر آن داشته است تا بین این روایات جمع بنمایند. [۳، ج ۲، ص ۸۰] به طور کلی در مسأله نماز در (لباس یا بدن نجس) خواندن به صورت نسیان دو دسته روایت مطرح است که برخی دلالت بر اعاده نماز در ناسی به صورت مطلق دارد؛ مانند صحیحہ ابی بصیر که امام صادق «علیه‌السلام» فرمودند: «إن أصاب ثوب

الرجل الدم فیصلی فیه و هو لا یعلم فلا إعادة علیه و إن علم قبل ان یصلی فنیسی و صلی فیه فعلیه الإعادة»^۱ [۲۶، ج ۱، ص ۱۸۲] و بعضی از روایات هم دلالت بر عدم اعاده نماز به وسیله ناسی مطلقاً دارند؛ مانند صحیحہ علاء بن رزین: «سألته عن الرجل یصیب ثوبه الشئ ینجسه فینسی ان یغسله فیصلی فیه ثم یذکر انه لم یکن غسله أیعيد الصلاة؟ قال «علیه السلام»: لا یعيد قد مضت الصلاة و کتبت له»^۲ [۲۶، ج ۱، ص ۱۸۴].

تعارض موجود، علماء را بر آن داشته است تا راهی برای حل تعارض بین این روایات ارائه بنمایند؛ برخی تلاش نموده‌اند تا از راه جمع در دلالت بین دو دسته از روایات توافق حاصل نمایند و بعضی هم با تصریح به این که جمع عرفی بین دو دسته از روایات امکان ندارد، به سراغ قواعد باب تعارض و مرجحات این باب رفته‌اند که مقتضای آن ترجیح یک دسته از روایات متعارض می‌باشد.

در این جستار، چهار راه حلی که توسط ایشان بیان شده است، بررسی و نقد خواهد شد و در پایان به راه حل و وجه جمع صحیح اشاره می‌شود که موجب ایجاد راه حل پنجمی برای توافق و هماهنگی بین این روایات متعارض می‌شود.

راه حل اول

روایات دسته اول - که دلالت بر واجب بودن اعاده و قضاء دارند - بر استحباب حمل می‌شوند [رک: ۳۳، ج ۱، ص ۳۴۴] چون روایات دسته اول ظهور در اعاده و قضا دارند اما روایات دسته دوم نص در عدم اعاده و قضا هستند؛ به عنوان نمونه در حدیث علاء بن رزین تصریح شده است که «مضت و کتبت» و حال آن که در روایات دسته دیگر این چنین چیزی نبود و ظهور در اعاده داشت؛ زمانی که امر دایر بین نص و ظاهر باشد باید از ظهور دست برداشت و به نص عمل نمود. [نک: ۱۹، ج ۱، ص ۲۲۰]

اشکالات به راه حل اول

۱. این وجه جمع با ظاهر هر دو دسته از اخبار منافات داشته و هیچ قرینه‌ای - داخلیه

۱. به دلیل عدم اطاله کلام تنها یک روایت بیان شده و آدرس بقیه روایات اشاره می‌گردد: صحیحہ زراره

[۲۷، ج ۱، ص ۴۲۱] - صحیحہ محمد بن مسلم [۴۱، ج ۳، ص ۵۹] - صحیحہ اسماعیل جعفری [۲۶،

ج ۱، ص ۱۷۶] - صحیحہ عبدالله بن ابی یعفر [۲۶، ج ۱، ص ۱۷۶] - موثقہ سماعه [۲۷، ج ۱، ص ۲۵۵]

- روایت جمیل بن درآج [۲۷، ج ۱، ص ۲۵۶].

۲. صحیحہ علی بن جعفر [۱۴، ج ۱، ص ۳۱۸] - موثقہ عمّار بن موسی [۲۶، ج ۱، ص ۵۵] - موثقہ هشام

بن سالم [۲۷، ج ۱، ص ۴۸] - روایت عمرو بن ابی نصر [۱۴، ج ۱، ص ۲۹۵].

یا خارجیه - برای صحت آن وجود ندارد. [۴۷، ج ۸، ص ۲۳۳] و اگر جریان چنین جمع‌هایی جایز و صحیح باشد، در تمام موارد تعارض جاری بوده و در نتیجه هیچ موردی برای تعارض بین ادله باقی نخواهد ماند. [نک: ۱۱، ج ۳، ص ۱۶]

بله، اگر دو دلیل وجود داشته باشد که یکی نص و صریح در معنایی و ظاهر در معنای دوم باشد و دلیل دوم به عکس آن باشد به واسطه حمل ظاهر بر نص بین دو دسته روایات جمع می‌شود؛ مانند جایی که در یک دلیل به چیزی امر شود و در دلیل دیگر عبارت «لا بأس بترکه» آمده باشد که در این صورت با حمل امر بر استحباب بین این دو دسته جمع می‌گردد. [۲۰، ج ۴، ص ۱۹۳]

۲. بر فرض که اصل وجه جمعی که بیان شد مطابق موازین و ضوابط می‌باشد - یعنی در جایی که ظهور و نصی وجود داشته باشد، نص بر ظاهر مقدم می‌شود و به خاطر قرینه نص از ظاهر رفع ید می‌کنیم - اما زمانی ما این وجه جمع را انجام می‌دهیم که خطاب، مولوی باشد نه ارشادی؛ در محل نزاع - خواه در روایاتی که امر به اعاده شده و خواه در احادیثی که بیان داشته‌اند اعاده لازم نیست - امر و نهی جنبه ارشادی دارند، به این معنا که جایی که امام می‌فرماید: نماز را اعاده کن، در مقام ارشاد مکلف می‌باشد که اگر نماز را اعاده نکنی نمازت فاسد خواهد بود؛ و در جایی هم که می‌فرماید: اعاده لازم نیست، شارع در صدد آن است که بیان بدارد نماز صحیح بوده و احتیاجی به اعاده ندارد. [۳۹، ج ۳، ص ۳۶۵]

در حقیقت، دوران امر بین فساد و صحت می‌باشد و لذا بین صحت و فساد تناقض خواهد بود و در متناقضین نمی‌توان جمع کرد. [۲۰، ج ۴، ص ۱۸۸؛ ۱۰، ج ۴، ص ۱۸۳؛ ۳۵، ص ۳۲۹]

۳. برخی از روایات اصلاً قابلیت حمل بر استحباب را ندارند؛ به عنوان نمونه مقتضای موثقه سماعه این است که اعاده و قضا از باب عقوبت بر نسیان است و لذا تناسب ندارد که روایات اعاده را بر استحباب حمل کرد زیرا معنا ندارد که مستحب از باب عقوبت جعل شود زیرا عقوبت در آن چیزی است که در آن کلفت و مشقت وجود دارد مانند تکرار حج برای کسی که مرتکب جماع با حلیله در حال احرام شده است. (۱۵، ج ۱، ص ۵۳۸؛ ۴۴، ج ۱، ص ۵۰۱)

هم‌چنین برخی از روایات مسأله «الصلاه فی النجس» - مانند صحیح هب بن عبد ربّه [۲۶، ج ۱، ص ۱۸۱] و موثقه اُبی بصیر [۲۷، ج ۲، ص ۲۰۲] - بین جاهل و ناسی به

این صورت فرق گذاشته‌اند که امر به اعاده تنها به ناسی تعلق گرفته است با وجود آن که استحباب اعاده برای جاهل هم ثابت است؛ و این امر بهترین قرینه بر اراده وجوب در مورد ناسی می‌باشد. [۲۰، ج ۴، ص ۱۸۸؛ ۱۳، ج ۲، ص ۱۰۱؛ ۳۰، ج ۳، ص ۱۱۷]

راه حل دوّم

طائفه آمره به اعاده را به دلیل کثرت و فراوانی اخذ می‌کنیم و در زمره معلوم الصدور قرار می‌دهیم و روایت نافیه را به دلیل شاذ بودن طرح می‌نماییم تا تعارض از بین برود؛ [۲۰، ج ۲، ص ۳۷۲] حتی شیخ طوسی - که در استبصار قائل به تفصیل شده است که در ادامه به آن اشاره خواهیم نمود - در تهذیب تصریح به شاذ بودن روایات نافیه نموده است. [۲۷، ج ۲، ص ۳۶۰]

در نتیجه روایات نافیه توان و صلاحیت مقابله و تعارض با روایات وجوب اعاده را نداشته و تعارض بین حجت و لا حجت معنا ندارد. [۳، ج ۲، ص ۸۴]

اشکالات به راه حل دوّم

اولاً نه روایات عدم اعاده روایات شاذه است و نه روایات آمره به اعاده در زمره معلوم الصدور است؛ و در نتیجه تعارض حجت با لا حجت نیست. [۳۹، ج ۳، ص ۳۶۶]

ثانیاً بر فرض مشهور بودن روایات اعاده، شهرت از مرجحات نیست زیرا مهم‌ترین دلایلی که برای مرجحیت شهرت آمده است دو روایت مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زراره است که این دو روایت - هم سنداً و هم دلالتاً - محل بحث می‌باشند. [نک: ۲، ص ۴۴۳]

ثالثاً در مواردی نوبت به مرجحات (سندی یا صدورری یا مضمونی) می‌رسد که جمع دلالی و عرفی بین متعارضین ممکن نباشد و حال آن که در ادامه بیان خواهیم داشت که امکان جمع عرفی صحیح بین روایات متعارض در مسأله وجود دارد.

راه حل سوّم

روایات دسته دوّم موافق با عامه می‌باشد که می‌گویند: اگر کسی ناسیاً با حالت نجاست نماز خواند و بعد از نماز فهمید که لباس یا بدنش نجس بوده، نمازش صحیح است و احتیاج به اعاده و قضا ندارد؛ [۷، ج ۱، ص ۷۱۴؛ ۴۶، ج ۳، ص ۱۵۷] شاهد بر این نسبت به عامه هم آن است که شیخ در خلاف [۲۸، ج ۱، ص ۴۷۹] و علامه در تذکره [۳۴، ج ۲، ص ۴۷۷] این روایات را به جمع معظم و کثیری از علمای عامه منتسب نموده‌اند.

در مقابل روایات دسته اول موافق مشهور فقهای قدماتی امامیه است. [۶، ص ۶۶؛ ۲۹، ص ۹۴؛ ۵، ج ۱، ص ۱۸۳] در نتیجه اگر روایات دسته دوم که موافق فتاوی عامه می‌باشد از معصوم «علیه‌السلام» به صورت تقیه صادر شده است، در زمره روایات شاذ و نادر تلقی شده و ترک می‌شوند.

بخصوص که شیخ طوسی «رحمه الله» بعد از بیان دسته دوم روایات می‌فرماید: «فإنه خبر شاذ لا یعارض به الأخبار ألتی ذکرناها هاهنا» [۲۷، ج ۲، ص ۳۶۰] و امام خمینی «رحمه الله» نیز در کتاب طهارت می‌فرماید: «و الإنصاف أن الروایات متعارضة و الترجیح لروایات الإیجاب الإعادة بل الظاهر عدم عمل متقدمی أصحابنا بروایات نفی الإعادة و أعرضوا عنها فلا تصلح للحجیه» [۱۸، ج ۴، ص ۳۰۵]

اشکالات به راه حل سوم

الف) همان‌طور که در اشکال قبلی اشاره شد در مواردی به سراغ مرجحات می‌رویم که جمع دلالتی و عرفی بین متعارضین ممکن نباشد.

ب) روایت علا که دلیل بر عدم اعاده بود را نمی‌توان حمل بر تقیه نمود؛ زیرا تقیه امر اضطراری است و باید در مقام ضرورت تقیه نمود و «الضرورات تتقدر بقدرها»؛ امام علت عدم اعاده را ذکر کرده‌اند و چنین فرمودند: «لا یعید قد مضت الصلاه و کتبت له» اگر امام به دلیل تقیه حکم به عدم اعاده را مطرح کرده‌اند، بیان همان «لا یعید» کافی می‌بود و نیازی به تأکید وجود نمی‌داشت.

ج) صرف وجود قول در بین علمای عامه دلیل بر تقیه‌ای بودن روایات دسته دوم نمی‌گردد مخصوصاً که در بین امامیه هم علمایی وجود دارند که قائل به همان نظریه هستند. [۴۳، ج ۱، ص ۴۴۱؛ ۳۲، ج ۲، ص ۳۴۸؛ ۸، ج ۱، ص ۳۴۵]

راه حل چهارم

برخی قائل هستند در مقام جمع بین دو طایفه از اخبار می‌توان قائل به تفصیل شد و اخباری که می‌گویند اعاده لازم است را حمل کنیم بر این‌که منظور اعاده در وقت است و آن دسته از اخباری که نفی اعاده را بیان می‌کنند حمل کنیم بر این‌که مراد، خارج وقت می‌باشد، یعنی قضا لازم نیست. [نک: ۳۵، ص ۳۲۸]

دلیل بر این وجه جمع آن است که هر طائفه ای از اخبار قدر متیقنی دارد و توسط قدر متیقن یک دسته از عموم طائفه دیگر رفع ید و صرف نظر می‌کنیم؛ قدر متیقن

روایات اعاده، داخل وقت است و قدر متیقن روایات عدم اعاده، خارج وقت است؛ (۴۴، ج ۱، ص ۵۰۱) مانند جمع بین «ثمن العذره سحت» و «لا بأس ببيع العذره» که برخی از علماء هر مورد را به قدر متیقن ارجاع داده‌اند. [۲۶، ج ۳، ص ۵۷؛ ۲۵، ج ۱، ص ۲۴] شاهد بر این وجه جمع، صحیحه علی بن مهزیار است: «علی بن مهزیار می‌گوید: سلیمان بن رشید به او نوشت که خبر داد به امام «علیه‌السلام» که در تاریکی شب بول کرد و کف دست او به نقطه‌ای از بول اصابت کرد و در تاریکی شب هر چه گشت آن نقطه را پیدا نکرد و دستش را با پارچه تمیز کرد و بعد فراموش کرد دستش را بشوید تا این که دستش را به روغن‌ها زد با دست‌های روغنی به سر و صورت و دو دستش کشید سپس برای خواندن نماز وضو گرفت و نماز خواند، وظیفه‌اش چیست؟ امام «علیه‌السلام» فرمودند: اگر تو خیال کرده‌ای و معلوم نیست که چیزی به دست تو اصابت کرده باشد که این توهم جایگاهی ندارد و در صورتی می‌توان به آن ترتیب اثر داد که انسان اطمینان به وقوعش پیدا کرده باشد؛ اگر یقین داشتی بول به دست اصابت کرده و بعد فراموش کردی آن را بشویی و بعد از نماز یادت آمد، سزاوار است که نمازهایی که با این نجاست خواندی اگر در وقت هستی آن‌ها را اعاده کنی و آنچه که فوت شده لازم نیست آن‌ها را به جا بیاوری» [۲۶، ج ۱، ص ۱۸۴] در این روایت تصریح شده است که آنچه که در وقت هست، اعاده کن و اگر خارج وقت باشد، اعاده لازم نمی‌باشد.

اشکالات به راه حل چهارم

در مورد اصل این وجه جمع باید اظهار داشت که: اولاً: به این صورت توافق دادن بین دو دسته از روایات، مصداق کامل جمع تبرعی (جمع بدون شاهد و قرینه) است [۲۰، ج ۲، ص ۳۷۳] زیرا قدر متیقن داشتن باعث تغییر در ظهور نخواهد بود و شاهی برای این جمع وجود ندارد؛ هر جا شاهد و قرینه‌ای بر جمع وجود داشت می‌توان جمع را انجام داد اما در جایی که شاهد و قرینه‌ای بر جمع وجود نداشته باشد که ما نحن فیه هم‌چنین است، جمع تبرعی بوده و قابل استناد نمی‌باشد. [نک: ۱۹، ج ۱، ص ۲۲۰؛ ۴، ج ۳، ص ۸۵] ثانیاً چنین وجه جمعی تنها از برخی روایات موجود قابل برداشت است و در مورد بعضی از روایات، اصلاً امکان ندارد که آن‌ها را به این صورت جمع نماییم؛ برای نمونه

صحيحه محمد بن مسلم^۱ صراحت در شمول و عموم - اعاده و قضا - دارد و چنين برداشتی از آن امکان ندارد زيرا بدون تردید اعاده بعضی يا اغلب از «صلاه كثيره» كه در روايت به آن اشاره شده است [كليني، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۵۹] در خارج وقت خواهد بود. [۱۷، ص ۱۶۴؛ هم‌چنين نك: ۴۷، ج ۸، ص ۲۳۴]

اما در مورد اين كه براي صحت اين وجه جمع، به صحيحه علي بن مهزيار استناد شده است از چند جهت قابل تأمل است:

۱. در سند اين روايت سليمان بن رشيد وجود دارد كه علماء رجال گفته‌اند: اين شخص مجهول می‌باشد؛ البته اگر منظور سليمان بن رشيد از علمای اهل سنت باشد كه مورد وثوق نخواهد بود. [۲۰، ج ۲، ص ۳۷۶؛ ۳۰، ج ۳، ص ۱۱۵]

۲. مرحوم فيض می‌فرماید: متن اين حديث اضطراب دارد^۲ و صدر ذيل آن با هم نمی‌سازد و يکديگر را نقض می‌کند و در نتيجه از اعتبار ساقط خواهد بود: «معنی هذا الحديث غير واضح و ربما يوجه بتكلفات لا فائدة في إيرادها و يشبه أن يكون قد وقع فيه غلط من النسخا...» [۳۸، ج ۶، ص ۱۵۴]

۳. هر چند كه ذيل روايت در تفصيل بين داخل وقت و خارج آن صراحت دارد ولی در روايت ظهور در اين كه حكم امام در مورد ناسی است، وجود ندارد. [۱۵، ج ۱، ص ۵۳۹]

۴. اين حديث هر چند ظاهر آن جمع بين دو دسته از روايت باشد لکن در برابر اين حديث - كه هم مكاتبه است و هم مضمرة [۱۶، ج ۱، ص ۲۴۶] - روايات صحيح ديگري وجود دارد كه دلالت صريح بر اين دارد كه قضاء و اعاده لازم می‌باشد [۴۵، ج ۶، ص ۲۱۹؛ ۴۰، ص ۱۴۲۲] در نتيجه ظهور در برابر صريح قابليت مقاومت را نخواهد داشت.

۵. آيت الله خويی می‌فرماید: اين روايت از نظر دلالت مطلوب ایشان را نمی‌رساند زيرا در اين روايت دلالت بر اعاده و عدم اعاده در وقت وجود ندارد بلکه روايت در مقام

۱. «عن محمد بن مسلم قال: قلت له: الدم يکون في الثوب علي و أنا في الصلاة؟ قال: إن رأيت و عليك ثوب غيره فاطرحه و صل وإن لم يكن عليك غيره فامض في صلاتك و لا إعادة عليك ما لم يزد علي مقدار الدرهم و ما كان أقل من ذلك فليس بشئ، رأيتہ قبل أو لم تره و إذا كنت قد رأيتہ و هو أكثر من مقدار الدرهم فضيحت غسله و صليت فيه صلاة كثيرة فأعد ما صليت فيه».

۲. برای ملاحظه وجوه اجمال و اضطراب روايت رجوع شود به: ۲۰، ج ۴، ص ۱۹۶؛ ۱۰، ج ۴، ص ۱۸۱؛ ۳۵، ص ۳۲۷؛ البته برخی با فرض قبول و پذيرش اجمال در متن روايت، بيان داشته‌اند كه محل مورد استدلال در روايت هيچ‌گونه اجمال و تشويش نداشته و لذا قابليت برای استناد را دارد. [نك: ۴۷، ج ۸، ص ۲۳۵؛ ۱۳، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۱۰۰].

بیان عدم تنجیس متنجس است و ربطی به محل بحث نخواهد داشت. [۲۰، ج ۴، ص ۱۹۸ و نیز نک: ۲۲، ج ۳، ص ۴۱]

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد - بر خلاف آنچه که پنداشته می‌شود - در باب «نماز در لباس یا بدن نجس در حال فراموشی» سه دسته روایت وجود دارد: دسته اول، روایاتی هستند که به طور مطلق امر به اعاده دارند (خواه داخل وقت متذکر گردد و خواه خارج وقت، و همچنین عروض نسیان به دلیل اهمال مکلف باشد یا با وجود تحفظ مکلف، نسیان عارض شده باشد) دسته دوم، به طور مطلق دلالت بر عدم اعاده دارند؛ که در مقام رفع تعارض بین این دو دسته از روایات چهار وجه جمع بیان شد که همه آن‌ها دچار اشکال بود. دسته سوم، روایت سماعه می‌باشد که این روایت از دو جهت مفسر روایات دو دسته قبلی است:

جهت اول: اعاده به دلیل عقوبت است.

جهت دوم: اعاده به خاطر عقوبت هنگامی است که فراموشی به جهت مسامحه و عدم اهتمام باشد.

شاهد دیگری بر این وجه جمع صحیح محمد بن مسلم است؛ در این روایت امام «علیه‌السلام» فرمودند: «فضیعت غسله و صلیت فیہ صلاة کثیرة» که این فراز هم اشاره به عدم اهتمام مکلف دارد زیرا در صورت توجه مکلف اطلاق کلمه «فضیعت» معنا نمی‌داشت.

در نتیجه نظر نهایی در حل تعارض بین روایات دو دسته اول آن است که بیان شود: اگر مکلف در عروض نسیان کوتاهی کرده است، نماز باطل است - و حتی برخی اصل را در نسیان بر تفریط گذاشته‌اند [۲۴، ج ۱، ص ۱۵۲] - و اگر ناسی با کمال تحفظ نسیان بر او عارض شده است، اعاده ندارد؛ دلیل بر این تفصیل، تعلیلی است که امام صادق «علیه‌السلام» در روایت به آن اشاره فرموده‌اند: «یعیّد صلاته کی یهتم بالشیء إذا کان فی ثوبه عقوبة لنسیانه»

در پایان ذکر این نکته هم ضروری است که به دلیل شهرت فتوایی در این زمینه می‌توان احتیاط مستحب را در هر صورت در اعاده قرار داد.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۰۹)، *کفایه الاصول*، قم، موسسه آل البيت «علیه السلام».
- [۳]. آملی، میرزا محمدتقی (۱۳۸۰)، *مصباح الهمدی فی شرح العروة الوثقی*، تهران، بی نا.
- [۴]. آملی، میرزا هاشم (۱۴۰۶)، *المعالم المأثورة*، مقرر: محمدعلی اسماعیل پور قمشاهی، قم، بی نا.
- [۵]. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، قم، [۱] دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۶]. ابن زهره، حمزة بن علی (۱۴۱۷)، *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، قم، مؤسسه امام صادق «علیه السلام».
- [۷]. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا)، *المغنی*، بیروت، دارالکتب العربی للنشر و التوزیع.
- [۸]. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۹]. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۰]. بروجردي، حسین (۱۴۲۶)، *تبیان الصلاة*، مقرر: صافی گلپایگانی، علی، قم، گنج عرفان للطباعة و النشر.
- [۱۱]. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶)، *تنقیح مبانی العروة (کتاب الطهارة)*، قم، دارالصدیقة الشهیدة «سلام الله علیها».
- [۱۲]. جزائری، سید نعمت الله (۱۴۰۸)، *كشف الأسرار فی شرح الإستبصار*، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم، مؤسسه دارالکتاب.
- [۱۳]. حائری یزدی، مرتضی بن عبد الکریم (۱۴۲۶)، *شرح العروة الوثقی*، تحقیق: محمدحسین امراللهی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۴]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت «علیهم السلام».
- [۱۵]. سید محسن طباطبایی (۱۴۱۶)، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، مؤسسه دار التفسیر.
- [۱۶]. حلی، جمال الدین، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، تحقیق: مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۷]. خمینی، سید روح الله (بی تا)، *الخلل فی الصلاة*، قم، چاپخانه مهر.
- [۱۸]. _____ (۱۴۲۱)، *کتاب الطهارة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «قدس سره».

- [۱۹]. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵)، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۲۰]. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸)، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، مقرر: میرزا علی غروی، قم، ناشر: تحت اشراف جناب آقای لطفی.
- [۲۱]. _____ (۱۴۱۸)، *فقه الشيعة (كتاب الطهارة)*، مقرر: سید محمد مهدی موسوی خلخالی، قم، مؤسسه آفاق.
- [۲۲]. روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲)، *فقه الصادق «علیه السلام»*، قم، دارالکتب (مدرسه امام صادق «علیه السلام»).
- [۲۳]. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳)، *مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه المنار.
- [۲۴]. سیوری، مقداد بن عبد الله (۱۴۰۴)، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*، تحقیق: سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- [۲۵]. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)، *المکاسب المحرمة و البیع و الخيارات*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۲۶]. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰)، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- [۲۷]. _____ (۱۳۶۴)، *تهذیب الأحكام فی شرح المقنعة للشيخ المفید*، تحقیق و تعليق: سید حسن موسوی الخراسان، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- [۲۸]. _____ (۱۴۰۷)، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۹]. _____ (۱۴۰۰)، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*، بیروت، دارالکتب العربی.
- [۳۰]. صافی گلپایگانی، علی (۱۴۲۷)، *ذخيرة العقبی فی شرح العروة الوثقی*، اول، قم، گنج عرفان.
- [۳۱]. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹)، *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳۲]. عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱)، *مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام*، بیروت، مؤسسه آل البيت «عليهم السلام».
- [۳۳]. عراقی، آقا ضیاء الدین (۱۴۱۴)، *شرح تبصرة المتعلمین*، تحقیق: محمد حسون، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳۴]. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۸)، *تذكرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل البيت «عليهم السلام».
- [۳۵]. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۰۹)، *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة (النجاسات و أحكامها)*، قم، مؤلف.

- [۳۶]. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی (۱۴۱۶)، *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳۷]. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی (بی تا)، *مفاتیح الشرائع*، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- [۳۸]. _____ (۱۴۰۶)، *الوافی*، تحقیق: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی «علیه السلام».
- [۳۹]. قمی طباطبایی، سید تقی (۱۴۲۶)، *مبانی منهج الصالحین*، تحقیق: عباس حاجیانی، قم، منشورات قلم الشرق.
- [۴۰]. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲)، *أنوار الفقاهة (كتاب الطهارة)*، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء.
- [۴۱]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، *الکافی*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، هران، دارالکتب الإسلامیه.
- [۴۲]. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۸)، *المختصر النافع فی فقه الإمامیه*، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- [۴۳]. _____ (۱۴۰۷)، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سیدالشهداء «علیه السلام».
- [۴۴]. محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۶)، *كتاب الصلاة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴۵]. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۴۶]. نووی، ابی زکریا محیی الدین بن شرف (بی تا)، *دارالفکر*.
- [۴۷]. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶)، *مصباح الفقیه*، قم، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی.